

Bachelor of Arts (B.A.) Part-I Semester-I Examination

PERSIAN

Compulsory

(Other Language)

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 80

- Note :-** (1) All the **five** questions are compulsory.
 (2) Candidates have the option to write their answers either in English or Urdu or Persian, unless otherwise specified.

1. Attempt the following questions :- 16

(A) Write a biographical sketch of Shaikh Sa'adi.

OR

Assess the contribution of محمد عوفی to Persian literature.

(B) Give an account of the life and works of ڈاکٹر محمد اقبال.

OR

Write summary of the poem پند باز با بچہ خویش .

2. Translate any **one** of the following into English or Urdu :- 16

(الف) بیچارہ از شنیدن این سخنان بر آشفته بعضی از ایشان را به بی دینی و برنخی را به بی غیرتی بر شمرده بسا وقت کار از دشنام بمشت زنی و چوب کشی نیز کشیده - گاهی بکندن ریش و دریدن گریبان هم می رسید - چون یاران حال او را می دانستند از زد و کوب و دشنام های غلیظ آن متاثر نمی شدند - گاهی بالعکس می خواستند که او را از صحبت های خودشان خوشنود کنند و در قهوه خانه بانظار او می نشستند - همینه که از دورش می دیدند صحبت از تعریف و تجید ایران بازمی کردند - بیچاره ابراهیم همین که وضع صحبت را بکام دل خود می دید در نهایت انبساط خاطر می نشست و سراپا گوش می شد - اول اثر اظهار مسرت خاطرش آن بود که قوطی سیغارا از جیش در آورده روی میز می گذاشت -
 بهمه قهوه نشینان تعارف می کرد که بسم الله سیغارا بکشید -

OR

(ب) بیچاره ابراهیم بیگ آن روز با همه انبساط خاطر که دلش از آن سخنان و خبرهای خوش لبریز بود کسی را پیدا نمی کند که

شریک شادی خود نماید۔ ناچار طرف غروب بخانه برگشته۔ پس از نماز و شام خوردن باز خود را قدری با مطالعه مشغول داشته فردای آن باز بعبادت مقررہ از خانہ بیرون شدہ بکسری رود قحوہ خانہ بزرگی کہ در میدان محمد علی پاشا واقع است۔ قریب بظہر حاجی کریم کہ در کمین بود از دور نمایان می شود وی بیند کہ ابراہیم بیگ تنہا نشسته است۔ گویا اورا ندیدہ می خواهد از آنجا بگذرد۔ ولی ابراہیم اورا دیدہ در نہایت تعجیل دادی زند کہ حاجی حاجی حاجی۔ کریم ہم کہ در پی مرحبت بود برگشته ابراہیم را دیدہ سلام می دہد۔ پس از وی جواب سلام می گوید۔ حاجی جان کجا، کجا حاجی می گوید در این طرف قدری کار دارم۔ ابراہیم بسم اللہ قدری بنشین یک چای بخوریم۔

3. Answer the following questions.

(A) Translate the following into English or Urdu :-

12

(الف) آورده اند کہ ہارون الرشید روزی بہ شکاری رفت، گذرا و برد را باغی افتاد۔ و آن باغ بہ غایت خرم و مزہ بود۔ پرسید کہ ”این باغ از آن کیست؟“ گفتند ”از آن منعی است۔“ ہارون گفت: ”این باغ را فروشد تا بخرم؟“ وزیر گفت ”بارہا از وی خریداری کردہ ام، نفروختہ است“ ہارون گفت ”چہ باید کرد تا این باغ مارا شود؟“ وزیر گفت ”حیلت آن است کہ چون امیرالمومنین از شکار بازگردد بدین باغ درآید و ہر آیینہ آن مجوسی اینجا باشد، پیش خدمت آید۔ امیرالمومنین سوال کند کہ این باغ از آن کیست؟ ہر آیینہ او گوید از آن خداوند است۔

(ب) یکی از ملوک ہاتھی چند خاصان در شکار گاہی بزمستان از عمارت دور افتادند تا شب در آمد۔ خانہ دہقانی را دیدند۔ مملک گفت شب آنجا رویم تا زحمت سرمان باشد۔ یکی از وزیران گفت لائق قدر بلند پادشاہان نباشد بخانہ دہقانی رکیک التجا کردن۔ ہم اینجا خیمہ بزنیم و آتش افروزیم، دہقان را خبر شد، ما حضری کہ داشت ترتیب کرد و پیش آورد و زمین بوسید و گفت: قدر بلند سلطان بدین قدر نازل نشدی ولیکن نحو استند کہ قدر دہقان بلند شود۔ سلطان را سخن گفتن او مطبوع آمد۔ شبانگہ بمنزل او نقل کردند۔ با مدادش خلعت و نعمت فرمود۔

OR

(ج) آورده اند کہ وقتی مردی را دوستی بود، و مصادقت و موافقت میان ایشان عظیم بود۔ از اتفاق، آن دوست بہ مہمان آن دوست رفت۔ میزبان در ضیافت او انواع تکلف می کرد۔ بعد از سہ روز عزم رفتن کرد، چون می رفت گفت: ”دریغ کہ مہمانی ندانستی کرد، اگر وقتی بہ مہمان من آیی، تو را بیا موزم“ میزبان تجمل شد۔ اندیشید کہ در ضیافت او چہ تقصیر کردہ ام و کدام دقیقہ فرو گذاشتہ ام؟ مدتی در این اندیشی بود تا یک بار اورا بدان شہر دوست سفری اتفاق افتاد۔ بخانہ او نزول کرد۔ آن دوست مقدم اورا عزیز داشت و حالی ما حضری نان و سرکہ پیش آورد۔ آنگاہ سفرہ و کاسہ ای دوسہ خوردنی پیش آورد و مہمان با خود گفت ”شاید کہ تکلف فردا بود“

(د) مالدارى راشنيدم كه به بخل اندر چنان معروف بود كه حاتم طائى در كرم ظاهراً حالتش به نعمت دنيا آراسته و حسرت نفس جبلى همچنان دروى متمكن تا بجايى رسيد كه نانى از دست بجاني ندادى و گربه ابو هريره را به لقمه ننواختى و سنگ اصحاب كهف را استخوانى نينداختى نى الجمله خانه او را كس نديدى در كشاده و سفره او را سر۔

(B) Translate the following passage into Persian :—

Akram is a good boy. He is student of a college. Tomorrow he is going to Delhi. He is interested to see Delhi because he has heard the historical importance of Delhi from his teacher. He is very excited to reach Delhi as early as possible. He also made a list of historical monuments to which he has to see in Delhi. After the tour of Delhi is completed he will also go to Agra to see Taj Mahal.

OR

عرفى فطرتاً مغرور اور خود ستا تھا چونکہ ايران کے بیشتر شعراء معمولى خاندانوں سے تعلق رکھتے تھے، مثلاً خاتانى بڑھى تھا، فردوسى باغبانى کرتا تھا، باقر كاشانى خرد فروش تھا، اس کے برخلاف عرفى ايك معزز خاندان كا چشم و چراغ تھا۔ اس كا باپ سركارى محكمہ سے تعلق رکھتا تھا، اس لئے تخلص ميں اس نے فخر كى ادا قائم ركھى۔ عرفى نے اپنے نام و نسب پر اكثراً فخر كيا ہے اور يہ بھى اس كى خصوصيات ميں ہے۔

4. Answer the following questions.

(A) Explain the following :—

(الف) گاؤ کوہی و بزوغوش زفت

ياقند و كارايشان پيش رفت

هر كه باشد در پي شير حراب

كم نيايد روز و شب اور اكباب

چون ز كه در بيشه آوردندشان

كشيد و مجروح و اندر خون كشان

(ب) شنيدم شمسى در كتب خانه من

به پروانه مى گفت كرم كتابى

باوراق سينان شمين گرفتيم

بسى ديدم از نينه فاريابى

نه فهمیده ام حکمت زندگی را
همان تیره روزم ز بی آفتابی

OR

(ج) عاقل آن باشد که گیرد عبرت از
مرگ یاران در بلای محترز
رو به آندم بر زبان صد شکر راند
که مرا شیر از پس آن گرگ خواند
گرم را اول بفرمودی که تو
بخش کن این را که بردی جان از تو

(د) هر لحظه جوان است و روان است و دوان است
از گردش ایام نه افزون شدونی کاست
ماهی بچه را سوزن چهره برافروخت
شاهین بچه خندید و ز ساحل به خواست
زد بانگ که شایتم و کارم به زمین چیست
صحراست که دریاست تیر بال و پر ماست

(B) Define any **two** of the following and give example in Persian :— 4

۱- ماضی بعید ۲- ماضی شکی ۳- ماضی استمراری ۴- ماضی تمنائی

5. Answer the following questions :— 16

- Name the native place of Iqbal, also mention the year and place where he died.
- Who was Haji Karim and why did he want to meet Ibrahim Beg ?
- What arrangement did نعمان منذر applied for bringing up بهرام ?
- Give the central idea of the poem "شاهین و ماهی".

☆☆☆☆☆